

دعوت فرزندان به نماز

محمدحسین باقری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶

چکیده

نماز از باشکوه‌ترین و مهم‌ترین واجبات الهی است که مقدم بر سایر دستورات الهی معرفی گردیده است. از لوازم اجرای صحیح و کامل این دستور الهی، دعوت به موقع مکلفین خصوصاً نومکلفان - کودکان و نوجوانان - است. اگرچه تجویز یک نسخه برای همه مکلفان به نحو موجبۀ کلیه صحیح نیست؛ اما پس از اثبات اهمیت دعوت به نماز، یافتن یک سن معیار می‌تواند خط‌کش مناسبی برای سنجیدن زمان مناسب دعوت به نماز در کودکان و نوجوانان باشد. در این تحقیق دلایل اهمیت دعوت فرزندان به نماز از دیدگاه قرآن، سنت و علما بررسی شده و وجوب امر و دعوت فرزندان به نماز برای والدین و دست‌اندرکاران تربیت به اثبات رسیده است. در بخش دوم با بررسی روایات این باب، با توجه به تفاوت‌های موجود میان کودکان در اعصار و مکان‌های مختلف، بهترین سن برای دعوت به نماز، زمانی معرفی شده که کودک، خدا، نماز و رابطۀ خود با خدا را هرچند در سطح بسیار سطحی، بفهمد.

کلیدواژه‌ها: صبی، کودک یا نوجوان، سن بلوغ، نماز

۱. کارشناسی ارشد / mesbah313b@gmail.com



مقدمه

بدون شک نماز از مهم‌ترین مناسک اسلامی به‌شمار می‌رود و کمتر عبادتی مثل آن مورد تأکید قرار گرفته است؛ به‌طوری‌که بسیاری از آیات قرآن کریم اختصاص به این فریضه الهی دارد. جدای از اهمیت یک موضوع، شیوه دعوت به آن نیز بسیار مهم است؛ خصوصاً در عبادت مهمی مثل نماز که ستون خیمه دین شمرده شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۴ ص ۲۷). از طرفی محال است که شارع حکیم از بیان یک چنین امر مهمی صرف نظر کرده و به آن بی‌توجه بوده باشد. در تراث شیعه نیز احادیث زیادی پیرامون دعوت کودکان به نماز وجود دارد؛ اما چنان‌که باید، به این مسئله مهم پرداخته نشده و بسیاری از متدینین از اهمیت دعوت فرزندان خود به نماز بی‌اطلاع هستند یا حداقل سن مناسب برای این دعوت را نمی‌دانند؛ لذا گاهی قبل از موعد و گاه پس از موعد فرزندان خود را به این فریضه مهم الهی دعوت می‌کنند که نتیجه مطلوب را در پی ندارد. از این رو در تحقیق پیش‌رو سعی شده با روش‌های معهود در استنباط احکام، اهمیت دعوت به این فریضه مهم در مورد کودکان و نوجوانان ثابت شود و بهترین سن این دعوت از متون دینی استخراج گردد.

اهمیت دعوت به نماز در قرآن

اهمیت نماز به‌عنوان یکی از بزرگترین و یا بزرگترین عبادت دینی بر کسی پوشیده نیست؛ خصوصاً با وجود آیات و روایات متعددی که پیرامون اهمیت نماز وجود دارد. علاوه بر این می‌توان از کمیت آیات و روایات مرتبط با نماز، ضریب اهمیت آن را در مقایسه با سایر مناسک دریافت.

اما نکته‌ای که گاهی مورد غفلت قرار می‌گیرد، اهمیت این دعوت در بین کودکان و نوجوانان، و به عبارت بهتر نوجوانان است. پس از فحص در قرآن کریم، علاوه بر دعوت به نماز توسط خداوند متعال، با نمونه‌هایی از دستور خداوند به «امر به نماز» مواجه می‌شویم. برای مثال در آیه ۱۳۲ سوره مبارکه طه، خداوند متعال نبی مکرم اسلام ﷺ را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»؛ و خانواده‌ات

را به نماز فرمان بده و خود نیز بر آن شکیبایی ورز.

حتی نبی مکرم اسلام ﷺ نیز مکلف است اهل بیت و خانواده خود را به نماز امر کند. نکته مهمی که قابل بیان است استعمال کلمه "امر" است. خداوند متعال از واژه "وصیه" یا مترادف آن در این آیه کریمه استفاده نکرده است؛ بلکه از واژه امر استفاده کرده است. واژه امر بر خلاف وصیه یا توصیه، اولاً در معنای خود حسب اختلاف موجود، مشروط به وجود علو یا استعلاست؛ یعنی در درون معنای امر برتری و درخواست انجام فعل به نحو دستور شرط شده و ثانیاً دلالت بر جدیت و پی گیری دارد. کسی که مأمور (به او امر شده) است، در صورت قصور مورد بازخواست قرار خواهد گرفت. به خلاف توصیه و وصیت، که معمولاً جنبه ارشادی دارد. از همین رو امر به نماز با خواهش و تمنا و نازکشیدن قابل جمع نیست و ظاهراً روش پیشنهادی قرآن برای دعوت به نماز با این روش متفاوت است. مضاف بر آن، صرف امر به نماز کفایت نمی کند و باید پس از امر، از انجام آن مطلع شد و پی گیری لازم را انجام داد.

البته این نکته لازم به ذکر است که زبان امر با تندی کردن و خشونت در کلام یا رفتار کاملاً متفاوت است. به عبارت دیگر، منظور از امر این است که کودک یا نوجوان متوجه تکلیفی بر ذمه خود بشود و بداند که وظیفه ای دارد و باید آن را انجام بدهد.

از قسمت دوم آیه مذکور «وَأُضْطَرُّ عَلَيْهِمَا» استفاده می شود که برای امر فرزندان به نماز، لازم است خود آمر هم اهل نماز باشد و بر آن صبر کند. پرواضح است که امر کردن به چیزی که خود انسان نسبت به آن ملتزم نیست؛ اولاً مطلوب شارع نیست و شارع آن را مذموم می داند و ثانیاً دارای نتیجه نیست و در فرد تأثیر مطلوب را نمی گذارد.

به عنوان نمونه دیگری از آیات مرتبط با دعوت به نماز می توان به آیه ۵۵ سوره مبارکه مریم اشاره کرد: «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» و (اسماعیل علیهم السلام) اهل خود را به نماز و زکات امر می کرد و پروردگارش از وی راضی بود.

یکی از ویژگی هایی که خداوند با آن از بنده خود اسماعیل تعریف می کند این است که او امر به انجام نماز و پرداخت زکات می کرد. با مقداری جست و جو و مطالعه قرآن می بینیم که شیوه خداوند متعال در یادکردن از انبیاء خود، همیشه تعریف و تمجید از



ایشان است. حال از میان تمامی صفات برجسته حضرت اسماعیل خداوند ویژگی امر کردن ایشان به نماز را در قرآن بر می شمرد و ایشان را به عنوان نمونه ای برای مسلمانان معرفی می کند.

هرچند ظاهر، از اهل خانواده است؛ اما در برخی از تفاسیر مثل مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۷۲ ه ش، ج ۶، ص ۸۰۱) و تبیان (طوسی، ۱۳۸۹ ه ش، ج ۷، ص ۱۳۳) این احتمال نقل شده که ممکن است منظور از "أَهْلُهُ" امت حضرت اسماعیل بوده باشد؛ که البته به طریق اولی شامل خانواده نیز می شود و مدعای ما را ثابت می کند.

مثال دیگری از امر به نماز را می توان در سوره لقمان، آیات ۱۳ تا ۱۷ مشاهده کرد؛ زمانی که خداوند متعال حضرت لقمان را به عنوان الگو و نمونه معرفی می کند و برخی مواظط وی به فرزندش را بیان می فرماید: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ»؛ ای فرزندم نماز را به پادار و به کار نیک امر کن و از منکر نهی کن و بر آنچه به تو وارد می آید صبر نما.

بنابر نظر اکثر علماء حضرت لقمان پیامبر نبود اما به خاطر حکمت وی آیاتی شامل توصیه های او به فرزندش ذیل سوره ای به نام لقمان در قرآن کریم وجود دارد. در آیه ای که ذکر شد خداوند متعال امر فرزندان به نماز را از ویژگی های مهم حضرت لقمان بر می شمرد که باید به او اقتدا کرد و به روش آن حضرت تمسک کرد.

یکی دیگر از آیاتی که می توان به کمک آن وجوب امر به نماز را اثبات کرد، آیه ۶ سوره مبارکه تحریم است. خداوند متعال در این آیه می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ» ای کسانی که ایمان آورده اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید، چنان آتشی که مردم (دل سخت کافر) و سنگ (خارا) آتش افروز اوست ... بنا به اجماع فقها و اصولیون، امر ظاهر در وجوب است و به دورنگهداشتن خود و خانواده خود از آتش دوزخ یک واجب الهی است. از طرفی می دانیم که یکی از مهم ترین واجبات الهی نماز است که برای دور بودن از عذاب اخروی باید این وظیفه را انجام داد. نتیجه حاصل از استدلال فوق این است که دعوت خانواده به نماز به جهت دور ماندن از عذاب الهی واجب است.

تا اینجا ادله خاص قرآنی بر اهمیت دعوت و امر به نماز بیان شد؛ اما ادله دیگری نیز وجود دارد که می‌توان اسم آن را ادله عام قرآنی گذاشت. به عنوان مثال به دو نمونه از این ادله اشاره می‌کنیم.

دلیل اول

تقریباً در تمامی مواردی که انسان امر به نماز شده، واژه اقامه به همراه لفظ صلاه آمده است. خداوند متعال انسان را امر به اقامه نماز کرده، نه امر به انجام نماز. انجام نماز امری فردی است و هر انسانی باید تکلیف خود را نسبت به خداوند متعال انجام دهد؛ اما آنچه مورد تأکید خداوند متعال است یک مرحله بالاتر از آن، یعنی اقامه نماز است. اقامه یعنی برپایی و برگزاری نماز؛ و این مهم ممکن نیست مگر با وجود یک جماعت و عده و نفرات. ایجاد عده و نفرات هم جز با دعوت امکان پذیر نیست. و یکی از مستعدترین افراد برای قبول دستور نماز و اقامه کردن نماز کودکان و نوجوانان هستند که با تعلیم صحیح نماز می‌توان به سادگی آنها را به نماز دعوت کرد. بنابراین تمامی اوامر خداوند متعال نسبت به وجوب اقامه نماز، دلالت بر وجوب امر به نماز نیز دارد.

دلیل دوم

از دیگر ادله عام در اهمیت دعوت به نماز کودکان و نوجوانان در قرآن، می‌توان به آیات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد، که تمامی مکلفان را مورد خطاب قرار می‌دهد؛ به آنها دستور می‌دهد که امر به معروف و نهی از منکر کنند. قطعاً یکی از بالاترین معروف‌ها نماز و بدترین منکرها ترک آن است. لذا بر مسلمانان لازم است که امر به نماز و نهی از ترک آن کنند. و قطعاً کودکان و نوجوانان نیز باید مورد امر به معروف و نهی از منکر قرار گیرند. چه بسا که دعوت ایشان از اهمیت بیشتری برخوردار باشد؛ زیرا اولاً کودکان و نوجوان عموماً اصلاح پذیرتر هستند و ثانیاً این کودکان و نوجوان هستند که نسل آینده را تشکیل خواهند داد.



اهمیت دعوت به نماز در سنت

از دیگر راه‌های فهم اهمیت امر کودکان به نماز، احادیث و یا شیوه تربیتی حضرات معصومین علیهم‌السلام در دعوت فرزندان خود به نماز است. برخی از محدثین از جمله مرحوم کلینی (رحمه‌الله علیه) در کتاب شریف کافی (کلینی، ۱۴۲۹ هـ ق، ج ۶، ص ۴۳۲) بابتی را به نام صلاه الصبیان در کتب روایی آورده‌اند که این خود نشان‌دهنده اهمیت موضوع است. قبل از ورود به بررسی روایات، لازم به ذکر است که تمامی احادیثی که تقدیم خواهند شد در بیش از یکی از کتب اربعه شیعه نقل شده و یا به حد توان‌ترسیده، که ما را از بررسی سندی این احادیث بی‌نیاز می‌کند. همچنین لازم به ذکر است که روایات فراوان دیگری نیز در تأیید اهمیت امر به نماز وجود دارد که بررسی سندی آنها در مجال بحث نمی‌گنجد.

اولین روایتی که تقدیم خواهد شد در کتاب شریف کافی (کلینی، ۱۴۲۹ هـ ق، ج ۶، ص ۴۳۲) از امام صادق به نقل از پدر بزرگوارش امام باقر علیهما السلام نقل شده است. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَ: «إِنَّا نَأْمُرُ صَبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ، فَمُرُوا صَبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ؛ وَنَحْنُ نَأْمُرُ صَبْيَانَنَا بِالصَّوْمِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ بِمَا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ إِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ، أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَالْغَرْتُ، أَفْطَرُوا حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَيَطِيقُوهُ، فَمُرُوا صَبْيَانَكُمْ - إِذَا كَانُوا بَنِي تِسْعِ سِنِينَ - بِالصَّوْمِ مَا اسْتَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ، أَفْطَرُوا»؛ امام صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوارشان فرمود: ما کودکان خود را در حالی که پنج ساله هستند به خواندن نماز امر می‌کنیم، و شما به اطفال خویش وقتی هفت ساله شدند، دستور نماز خواندن دهید. همچنین ما کودکان خود را هنگامی که هفت ساله شدند به گرفتن روزه امر می‌کنیم، بدان مقدار که از یک روز روزه می‌توانند؛ هرچند تا نصف روز یا بیشتر از آن و یا کمتر از آن باشد؛ و وقتی تشنگی یا گرسنگی بر ایشان غلبه کرد، افطار می‌کنند تا به این ترتیب به گرفتن روزه عادت کنند و توان گرفتن آن را بیابند. شما نیز فرزندان خود را هنگامی که نه ساله شدند، به گرفتن روزه وادارید هرچقدر از یک روز را که می‌توانند روزه بگیرند، و وقتی تشنگی برایشان غلبه کرد روزه

خود را افطار کنند.

قبل از ذکر هر نکته‌ای پیرامون این حدیث لازم است به معنای "صبی" مراجعه کنیم. در کتاب مجمع البحرین (طریحی، ۱۳۷۵ هـ ش، ج ۱ ص ۲۶۰) می‌فرماید: «الصَّبِيُّ الصغير وهو من الواو. وفي القاموس: من لم يفطم بعد. وفي الصحاح: الغلام.....» و"الصَّبِيَّةُ" على فعيلة: الجارية». همچنین در کتاب لسان العرب (بن علی، ۱۴۱۴ هـ ق، ج ۱ ص ۴۵۰) چنین آمده: «وَالصَّبِيُّ: مَنْ لَدُنْ يُولَدُ إِلَى أَنْ يُفْطَمَ.» و در برخی از کتب نیز به طفلی که هنوز محتلم نشده، معنا شده است.

اگر بخواهیم بین همه این معانی جمع کنیم، باید گفت صبی شامل معنای کودک و نوجوان است؛ البته نوجوانی که هنوز به بلوغ نرسیده باشد. ظاهر صبی در فرد مذکر است، هم به قرینه اهل لغت و هم وجود صبیّه در برخی از استعمالات و هم به قرینه ادامه روایت که امام می‌فرمایند: (ما فرزندان خود را از هفت سالگی به روزه امر می‌کنیم به مقداری که از روزه طاقت دارند.... و شما فرزندان خود را در نه سالگی امر به روزه کنید تا جایی که طاقت دارند، پس اگر عطش بر آنها غلبه کرد افطار کنند). این در حالی است که اگر مراد از صبی اعم از مذکر و مؤنث باشد، امام باید تفصیل قائل می‌شدند؛ زیرا اکثر قریب به اتفاق علمای شیعه معتقدند که دختر پس از اتمام نه سالگی مکلف است و باید عبادات خود را به طور کامل انجام دهد. از همین رو مجالی برای افطار در صورت فشار تشنگی باقی نمی‌ماند.

روایت فوق در بخش تعیین سن برای دعوت به نماز نیز در ادامه این تحقیق مورد استناد قرار خواهد گرفت. اما آنچه مورد استفاده ما در این قسمت از تحقیق است، اولاً وجود بخش مهمی به نام صلاة الصبيان در کتاب کافی شریف است که نشان‌دهنده اهمیت این موضوع است و ثانیاً این نکته که یکی از برنامه‌های تربیتی حضرات معصومین علیهم السلام در خانواده خود، امر کودکان و نوجوانان به نماز و روزه بوده است علاوه بر این در روایت تصریح شده که این برنامه مختص به خانواده اهل بیت علیهم السلام نیست و باید همه مومنین به این برنامه عمل کنند؛ زیرا ممکن است شخصی توهّم کند که این برنامه مختص خانواده معصومین و فرزندان ایشان است و



نمی‌توان یا نباید این برنامه را برای همه اشخاص توصیه کرد.

دومین روایت در کتاب تهذیب (محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ ه ق، ج ۲ صفحه ۱۰۵) آمده که به صورت دلالت تضمینی دلالت بر امر به نماز دارد.

عن أبي هارون المكفوف عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «يا ابا هارون إنا نأمر صبياننا بتسبيح فاطمة كما نأمرهم بالصلاة، فالزمه فإنه لم يلزمه عبد فشقى»؛ از ابوهارون مکفوف (نقل شده که) امام صادق علیه السلام فرمود: ای ابوهارون! ما کودکان خود را همان گونه که به نماز فرمان می دهیم به تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها نیز امر می کنیم... در این روایت اولاً کلمه صبیان آمده که معنای آن ذکر شد، و ثانیاً مضاف بر امر به نماز، امر به تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیها نیز آمده است. یعنی ائمه علیهم السلام اقزون بر دعوت به نماز، فرزندان خود را به تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها نیز امر می کردند.

اهمیت دعوت به نماز فرزندان از باب تأثیر متقابل

انسان اساساً موجودی تأثیرپذیر و تأثیرگذار بر اطرافیان خود است. برخی بیشتر و برخی کمتر تأثیرپذیر هستند اما اصل وجود تأثیرپذیری از محیط در میان همه انسان ها وجود دارد؛ از همین رو است که در اسلام اهمیت ویژه ای به انتخاب همنشین، دوست و همسر داده شده است. یکی از افرادی که روی انسان تأثیرگذار است فرزند خود انسان است. فرزند در چند سאלه اول تولد، تمامی آموزش های خود را از خانواده فرامی گیرد و این بهترین فرصت برای تعلیم مفاهیم دینی است. خداوند متعال این بازه سنی را برای پدران و مادران قرار داده تا بتوانند به بهترین نحو معارف دینی و مناسک دینی را به فرزندان خود آموزش دهند. پس از طی این مرحله، تأثیر خانواده بر فرزند به مرور کاهش یافته و تأثیر فرزند بر والدین بیشتر می شود. شاید یکی از دلایل تأثیرگذاری فرزند بر والدین، محبت بسیاری است که نسبت به فرزند در نهان والدین وجود دارد.

در طول تاریخ مثال های زیادی از تأثیر فرزند بر پدر نقل شده است؛ برای مثال می توان به زیر اشاره کرد که طبق فرمایش امیرالمؤمنین عليه السلام (نهج البلاغه، سید رضی، ۱۳۷۲ ه ش، حکمت ۴۵۳)، زیر تا قبل از اینکه فرزند او- عبدالله - روی پدر

خویش تأثیر گذارد در مسیر حق و مسیر امیرالمؤمنین علیه السلام بود؛ اما پس از اینکه فرزندش بزرگ شد، پدرش را از مسیر حق جدا کرد.^۱

کمتر کسانی مثل حضرت نوح علی نبینا و آله و علیه السلام یافت می‌شوند که بتوانند در برابر تأثیر فرزندان مقاومت کنند. نکته قابل تأمل این است که ظاهراً عدم هدایت فرزند حتی بر خود حضرت نوح هم سنگین بود، به طوری که خداوند متعال در سوره هود آیه ۱۱ مستقیماً به حضرت نوح فرمود: «و لا تخاطبني في الذين ظلموا انهم مغرقون»؛ ای نوح در مورد ستم کاران - فرزند نوح - با من سخن مگو که همانا آنها از غرق شدگان هستند.

و در چند آیه بعد پس از بیان گفت‌وگوی بین حضرت نوح و فرزندش خداوند متعال می‌فرماید:

وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ (۴۵) قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۴۶) و نوح [پیش از توفان] پروردگارش را ندا داد و گفت: پروردگارا! به راستی که پسر من از خاندان من است و یقیناً وعده ات [به نجات خاندانم] حق است و تو بهترین داورانی (۴۵) [خدا] فرمود: ای نوح! به یقین او از خاندان تو نیست، او [دارای] کرداری ناشایسته است، پس چیزی را که به آن علم نداری از من نخواه؛ همانا من تو را اندرز می‌دهم که مبادا از ناآگاهان باشی. این چنین است که ضرر عدم دعوت فرزندان به نماز می‌تواند در آینده‌ای نه چندان دور به خود انسان برگردد و اخلاق و گرایش‌های این فرزند در خود انسان اثر بگذارد. از همین رو بر والدین لازم است نهایت سعی خود را در تعلیم اخلاق و مناسک دینی به فرزندان انجام دهند.

دعوت به نماز در در نظر بزرگان

۱. نهج البلاغه حکمت ۴۵۳

وَقَالَ ﷺ: مَا زَالَ الرَّبُّ يُزْجِلُ مِنَّا أَهْلَ النَّبِيتِ، حَتَّى تَنشَأَ ابْنُهُ الْمُشْتَمُومُ - عَبْدُ اللَّهِ -. و فرمود ﷺ: زیر همواره یکی از ما اهل بیت بود تا پسر نامیمون او عبد الله به جوانی رسید.





اهمیت نماز به عنوان واجبی بی بدیل انعکاساتی در فتاوای مراجع عظام تقلید دارد. برای مثال سؤال زیر از برخی مراجع عظام پرسیده شده است. پرسش: آیا بیدار کردن اعضای خانواده به خصوص بچه ها و همسر برای نماز صبح بر ما واجب است؟

آیت الله خامنه ای: اگر به نحوی باشد که بیدار نکردن آنها موجب سبک شمردن نماز باشد، لازم است.^۱

آیت الله سیستانی: بیدار کردن فرزندان تحت تربیت، واجب است.^۲
آیت الله مکارم شیرازی: واجب نیست، مگر اینکه آنها عادت به ترک نماز صبح کنند و آن را سبک بشمارند؛ در این صورت واجب است به نحو مطلوبی آنها را بیدار کنند.^۳
آیت الله فاضل لنکرانی: اگر خود آنها مراقب نماز هستند و بعضی وقت ها بیدار نشوند، بیدار کردن آنها واجب نیست؛ لیکن اگر خودشان مراقب نیستند، از باب امر به معروف و نهی از منکر باید آنها را برای نماز بیدار کنید.

در میان متفکرین اسلامی شهید مطهری مبسوط به این موضوع اشاره می کند و در کتاب آزادی معنوی (مطهری، ۱۳۸۴ ج ۲۳، ص ۵۲۹) خود می فرماید:

«خیلی دلم می خواهد ما به اهمیت نماز که عمود دین است پی برده باشیم. هیچ می دانید که ما مسئول نماز خواندن خاندان خودمان، یعنی زن و فرزند خودمان هستیم یا نه؟ هر فردی از ما، هم مسئول نماز خودش است و هم مسئول نماز اهلش، یعنی زن و بچه اش. خطاب به پیغمبر اکرم است: وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا ای پیامبر! خاندان خود را به نماز امر کن و خودت هم بر نماز صابر باش. این اختصاص به پیامبر ندارد، همه ما به این امر موظف هستیم»

بچه ها را چه باید کرد؟ بچه ها را از کوچکی باید به نماز تمرین داد. دستور رسیده است که به بچه از هفت سالگی نماز تمرینی یاد بدهید. البته بچه هفت ساله نمی تواند

۱. تارنمای دفتر معظم له به نشانی LEADER.IR

۲. تارنمای دفتر استفتائات ایشان به نشانی SISTANI.ORG

۳. تارنمای دفتر استفتائات ایشان به نشانی MAKAREM.IR

نماز صحیح بخواند؛ ولی صورت نماز را می‌تواند بخواند. از هفت سالگی می‌تواند به نماز عادت شود؛ چه پسر و چه دختر. یعنی همان اولی که بچه به دبستان می‌رود، باید نماز را در دبستان به او یاد بدهند، در خانواده هم باید به او یاد بدهند.

«ولی باید توجه داشت که یاد دادن و وادار کردن با زور نتیجه‌ای ندارد. کوشش کنید که بچه‌تان از اول به نماز خواندن رغبت داشته باشد و به این کار تشویق بشود. به هر شکلی که می‌توانید موجبات تشویق بچه‌تان را فراهم کنید که با ذوق و شوق نماز بخواند؛ زیاد به او باریک‌الله بگویید، جایزه بدهید، اظهار محبت کنید که بفهمد وقتی نماز می‌خواند، بر محبت شما نسبت به او افزوده می‌شود. دیگر اینکه بچه را باید در محیط مشوّق نماز خواندن برد. به تجربه ثابت شده است که اگر بچه به مسجد نرود، اگر در جمع نباشد و نماز خواندن جمع را نبیند، به این کار تشویق نمی‌شود؛ چون اصلاً حضور در جمع مشوّق انسان است. آدم بزرگ هم وقتی خودش را در جمع اهل عبادت می‌بیند، روح عبادت بیشتری پیدا می‌کند. بچه که دیگر بیشتر تحت تأثیر است. متأسفانه کم رفتن ما به مساجد و معابد و مجالس دینی و اینکه بچه‌ها کمتر در مجالس مذهبی شرکت می‌کنند، سبب می‌شود که اینها از ابتدا رغبت به عبادت پیدا نکنند؛ ولی این برای شما وظیفه است.

اما اسلام که می‌گوید بچه‌ات را وادار به نماز خواندن کن، نمی‌گوید آقامآبانه فرمان بده، تشر بزن، دعوایش کن؛ نه؛ از هر وسیله‌ای که می‌دانید بهتر می‌شود برای تشویق او به عبادت و نماز خواندن استفاده کرد، شما باید استفاده کنید. باید ما با بچه‌های خودمان برنامه مسجد رفتن داشته باشیم تا آنها با مساجد و معابد آشنا بشوند. ما خودمان که از بچگی با مساجد و معابد آشنا بودیم، در این اوضاع و احوال امروز چقدر به مسجد می‌رویم که بچه‌های ما - که هفت ساله شده‌اند، به دبستان رفته‌اند و بعد به دبیرستان و بعد به دانشگاه، ولی اصلاً پایشان به مساجد نرسیده است - بروند. اینها قهراً از مساجد فراری می‌شوند. حالا ممکن است بگویید وضع مساجد خراب است، کثیف است، یا مثلاً يك روضه خوان می‌آید و حرف چنین و چنان می‌زند. آنها را هم وظیفه داریم که درست کنیم. وظیفه که در يك جا تمام نمی‌شود. وضع مساجد خودمان را هم



باید اصلاح کنیم. پس این را هم هرگز فراموش نکنید که ما وظیفه داریم نماز بخوانیم و وظیفه داریم که خاندان خودمان را هم نمازخوان کنیم به شکلی که به نماز راغب و تشویق بشوند؛ فواید و خاصیت نماز خواندن و در حدودی که می‌توانیم فلسفه نماز خواندن را برای بچه‌ها بگوییم».

بخش دوم: بهترین سن دعوت به نماز

از جمله سؤالات بسیار مهمی که ذهن هر پدر و مادر دغدغه‌مندی را به خود جلب می‌کند این است که بهترین سن امر فرزندان به نماز چه سنی است؟ شناخت بهترین زمان برای دعوت کودک به نماز می‌تواند ضامن التزام همیشگی وی به نماز باشد و تعجیل یا تاخیر بیش از اندازه می‌تواند زمینه عدم التزام وی به نماز را فراهم کند. لذا شناخت سن مناسب برای امر کودک به نماز بسیار مهم است.

قدر متیقن این است که با بلوغ شرعی پسر و دختر که هریک علائمی دارد، او باید تکالیف خود را به صورت کامل انجام دهد. نهایت این سن برای پسران اتمام ۱۵ سال قمری و طبق فتوای اکثر علماء برای دختران اتمام نه سال قمری است. روشن است که شروع جمیع تکالیف دینی همگی باهم و یک دفعه امری بسیار سخت و یا غیر ممکن است؛ از همین رو در شریعت اسلام با راهنمایی ائمه اطهار علیهم السلام مقدماتی برای آمادگی فرزندان جهت انجام واجبات ذکر شده است. هدف از این مقدمات، آماده کردن کودک برای انجام تکالیف خود پس از بلوغ است نه واجب کردن تکلیفی شرعی به ذمه وی. در برخی روایات هم به این نکته اشاره شده که امر فرزندان به نماز و روزه، پیش از بلوغ، به جهت آمادگی ایشان است، نه اینکه تکلیفی بر عهده ایشان وجود داشته باشد.

احادیث زیادی در باب زمان نماز خواندن فرزندان در تراث حدیثی ما وجود دارد که برخی تا سرحد تواتر رسیده، برخی مستفیضه و برخی خبر واحدند. همان‌طور که در بخش اول ذکر شد، ما در این تحقیق به احادیثی که از طریق کتب اربعه به ما رسیده و به سرحد تواتر یا استفاضه رسیده‌اند، یا دست کم دارای شهرت روایی در بین محدثین هستند؛ بسنده می‌کنیم. هرچند که عموم اخبار دیگر نیز، هم جهت با این احادیث و

دارای تغییراتی جزئی هستند که به سادگی می‌توان بین آنها جمع کرد.

حدیث اول

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَ: «إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسٍ سِنِينَ، فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعٍ سِنِينَ؛ وَنَحْنُ نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّوْمِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعٍ سِنِينَ بِمَا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ إِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ، أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَالْعَرْتُ، أَفْطَرُوا حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَيَطِيقُوهُ، فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ - إِذَا كَانُوا بَنِي تِسْعٍ سِنِينَ - بِالصَّوْمِ مَا اسْتَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ، أَفْطَرُوا». (محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ هـ ق، ج ۴ ص ۲۸۲ حدیث ۸۵۳) امام صادق علیه السلام به نقل از پدر خود امام باقر علیه السلام فرمود: «ما کودکان خود را در حالی که پنج ساله هستند به خواندن نماز امر می‌کنیم، و شما به اطفال خویش وقتی هفت ساله شدند دستور نماز خواندن دهید. همچنین ما کودکان خود را هنگامی که هفت ساله شدند به گرفتن روزه امر می‌کنیم، بدان مقدار که از یک روز روزه می‌توانند؛ هرچند تا نصف روز یا بیشتر از آن و یا کمتر از آن باشد؛ و وقتی تشنگی یا گرسنگی بر ایشان غلبه کرد، افطار می‌کنند تا به این ترتیب به گرفتن روزه عادت کنند و توان گرفتن آن را بیابند. و شما نیز فرزندان خود را هنگامی که نه ساله شدند، به گرفتن روزه وادارید؛ هرچقدر از یک روز را که می‌توانند روزه بگیرند، و وقتی تشنگی برایشان غلبه کرد، روزه خود را افطار کنند».

احادیثی که در این باب آمده برخی فقط در مقام بیان حکم روزه در کودکان و برخی نماز و روزه است و ائمه علیهم السلام برای هر کدام دستوری به ما داده اند.

از بخش دوم روایت فوق - و برخی روایات دیگر که زمان دعوت به روزه را پس از ۹ سالگی معرفی می‌کند - فهمیده می‌شود که مقصود از صبی کودک و نوجوان پسر است، نه دختر؛ زیرا طبق فتوای اکثر فقها پس از تکمیل نه سال قمری، تکلیف بر دختر ثابت می‌شود و دیگر جواز افطار در صورت غلبه عطش و گرسنگی پیش از مغرب جایز نیست؛ مگر اینکه غلبه عطش و گرسنگی را به گرسنگی غیر قابل تحمل حمل کنیم که دور از

ظاهر است. این حدیث که در هر چهار کتاب شریف «کتب اربعه» و دیگر کتب حدیثی مشهور شیعه نقل شده است، به وضوح دلالت بر سن هفت سالگی جهت امر به نماز می‌کند. این حدیث با احادیث دیگر تربیتی که کودک را تا هفت سالگی سَیِّد (آقا) و پس از آن تا ۱۴ سالگی عبد معرفی می‌کند، هماهنگی دارد. به این صورت که در ابتدای هفت ساله دوم تربیت، که کودک پذیرای برخی از مسئولیت‌ها می‌شود و مجری دستورها و فرامین می‌گردد، نماز نیز جزئی از این تکالیف است و کودک باید این وظیفه را نیز انجام دهد.

در اینجا لازم به ذکر است که منظور از انجام نماز برای کودک، انجام کامل نماز مانند نماز یک فرد مکلف نیست؛ بلکه منظور این است که هیئت و شکل نماز خواندن را انجام دهد و سعی کند کم‌کم احکام نماز را فراگیرد و تا زمان بلوغ بتواند نماز را صحیح ادا کند. این مطلب در فحواي برخی احادیث که امر به نماز در کودکی را برای آمادگی کودک می‌دانند؛ وجود دارد. از طرفی دیگر انجام نماز با همه احکام ریز و درشتی که دارد بالمره برای یک انسان ممکن نیست؛ بلکه احتیاج به زمانی برای یادگیری و آماده شدن جهت انجام این تکلیف الهی دارد.

از این رو اگر زمانی هیئت نماز از کودک صادر شد و اصطلاحاً کودک حالت نماز خواندن به خود گرفت، اما احکام نماز را رعایت نکرد، به طوری که که باعث ابطال نماز وی شد؛ احتیاج به اعاده و یا حتی تذکر در دفعه اول نیست؛ بلکه به مرور و تا زمان بالغ شدن مکلف، باید این اشتباهات را برطرف کرد. حدیث فوق شاید معتبرترین حدیث در موضوع ما از حیث دلالتی و سندی باشد که به تصریح در آن به سن هفت سالگی جهت دعوت به نماز اشاره شده است.

حدیث دوم

أَنَّه - أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - سُئِلَ عَنِ الصَّلَاةِ عَلَى الصَّبِيِّ مَتَى يَصَلِّي عَلَيْهِ قَالَ إِذَا عَقَلَ الصَّلَاةَ قُلْتُ مَتَى تَجِبُ الصَّلَاةُ عَلَيْهِ فَقَالَ إِذَا كَانَ ابْنُ سِتِّ سِنِينَ وَالصَّيَامُ إِذَا أَطْلَقَهُ . (کلینی، ۱۴۲۹ هـ ق، ج ۲، ص ۲۰۶)؛ از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: چه وقت باید بر

طفل نماز میت خواند؟ فرمود: هرگاه که نماز را درك كند. گفتم: چه زمانی نماز بر او واجب می شود؟ فرمود: هنگامی که به سن شش سالگی برسد و روزه هنگامی بر او لازم می شود که توان گرفتن آن را داشته باشد.

در ابتدای این حدیث شریف از امام پیرامون سن وجوب خواندن نماز میت بر کودک سؤال می شود. و پس از آن راوی از امام درباره زمان وجوب نماز بر خود کودک سؤال می کند؛ که امام سن شش سالگی را معرفی می فرمایند. همان طور که قبلاً نیز ذکر شد، لفظ وجوب در اینجا به معنای وجوب فقهی نیست؛ بلکه به معنای همان لزوم تمرین و شروع نماز خواندن است.

نکته ای که در این مقام لازم به ذکر است، حل اختلاف بین حدیث اول و دوم در سن مطلوب برای امر به نماز است. طبق حدیث اول، بهترین سن برای دعوت به نماز هفت سالگی و طبق حدیث دوم بهترین سن شش سالگی است. و این نحو از اختلاف در بسیاری از احادیثی که در این باب وارد شده، وجود دارد. برای حل این اختلاف لازم است بدانیم که اولاً این عددها، عددهای تقریبی هستند و مانند سن تکلیف خود عددها موضوعیت ندارند.

ثانیاً همان طور که در حدیث چهارم خواهد آمد، ملاک اصلی در امر کودکان به نماز این است که نماز را بفهمد، به این صورت که بداند این کار او عبادتی در برابر خداوند متعال است، که در روایت از آن به عقل الصلاه تعبیر شده است. از همین رو تمامی عددهایی که برای سن دعوت به نماز عنوان شده، اصطلاحاً عنوان مشیر است و اشاره به سن درک نماز در کودکان است. به همین خاطر ممکن است حسب اختلاف جزئی در مخاطب یا ... امام سنین مختلف، اما نزدیکی را برای امر به نماز تعیین بفرمایند.

پس نتیجه می گیریم که معیار و ملاک سنینی که در روایت مطرح شده، سن عقل و فهم بچه ها نسبت به نماز است. لذا ممکن است یک یا دو سال در مخاطبین مختلف متفاوت باشد.



حدیث سوم

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كَمْ يُؤْخَذُ الصَّبِيُّ بِالصَّلَاةِ فَقَالَ «فِيمَا بَيْنَ سَبْعِ سِنِينَ وَبَسْتِ سِنِينَ» ... (محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ هـ ق، ج ۲ ص ۳۸) از معاویه بن وهب: از ابوعبدالله صادق عليه السلام پرسیدم: در چه سنی کودکان را به نماز خواندن وادار کنیم؟ ابوعبدالله گفت: در فاصله شش سالگی تا هفت سالگی در بخشی از این حدیث نورانی که ذکر شد، سن شش تا هفت سالگی بهترین سن دعوت کودکان به نماز عنوان شده است که در تأیید دو حدیث اول است.

حدیث چهارم

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: فِي الصَّبِيِّ مَتَى يَصِلُ فَقَالَ إِذَا عَقَلَ الصَّلَاةَ قُلْتُ مَتَى يَفْعَلُ الصَّلَاةَ وَتَجِبُ عَلَيْهِ فَقَالَ لِبَسْتِ سِنِينَ . (همان) محمد بن مسلم نقل می کند که از امام صادق یا باقر عليهما السلام سؤال پرسیدم: در چه سنی نماز خواندن، بر کودکان واجب می شود؟ ایشان فرمود: موقعی که معنای نماز را درک کند. عرض کردم: در چه سنی می تواند معنای نماز را درک کند؟ ایشان فرمود: در سن شش سالگی. همان طور که ذیل حدیث دوم در حل مشکل تراحم بین حدیث اول و دوم ذکر شد، این حدیث شریف صریحاً به ضابطه اصلی در زمان امر به نماز که همان فهم کودک نسبت به نماز و نسبت عبودیت او با خداوند متعال است، اشاره می کند. البته پرواضح است که درک حقیقت نسبت عبودیت مقصود نیست؛ بلکه مقصود فهم سطحی از وجود خدا و عبادت اوست.

از مجموع روایات فوق و نیز بیش از ۵۰ حدیثی که پیرامون این موضوع در کتب مختلف روایی شیعه وجود دارد می توان نتیجه گرفت که هرچند سن ۶-۷ سالگی برای امر کودکان به نماز معرفی شده؛ اما با بررسی دقیق تر روشن می شود که ذکر این اعداد از باب عنوان مشیر است. یعنی این طور نیست که خود این اعداد به خودی خود موضوعیت داشته باشند؛ بلکه این اعداد اشاره کننده به سنی است که عموماً مخاطب در آن سن به فهم و درک نماز می رسد. از همین رو با پیشرفت فهم کودکان و افزایش

سطح ادارک می‌توان حتی در مواردی برخی کودکان را زودتر از شش سالگی دعوت به نماز کرد.

نتیجه‌گیری

یکی از وظایف مهمی که شارع مقدس بر عهده دست اندرکاران تربیت، خصوصاً پدر و مادر نهاده؛ امر و دعوت فرزندان به نماز است. آیات و احادیث زیادی برای اثبات این وظیفه برای پدر و مادر وجود دارد. به نحوی که بسیاری از محدثین در کتب حدیثی خود بابتی را به نام باب صلاة الصبیان یا نماز کودکان را باز کرده‌اند. این تکلیف در بین نو مکلفان از اهمیت بیشتری برخوردار است و خانواده باید سعی کند از این فرصت جهت دعوت کودک به نماز استفاده کند.

برای تأثیر این امر باید قبل از امر پدر و مادر خودشان نیز اهل نماز باشند، تا امرشان بر کودک تأثیر بگذارد. البته این امر باید با زبان خوش و مهربانی باشد تا مؤثر واقع شود. اما بهترین سن دعوت به نماز برای کودکان سن شش تا هفت سالگی است و با نگاهی دقیق‌تر بهترین سن برای دعوت به نماز، سنی است که کودک معنا و مفهوم نماز را به صورت مجمل درک کند. یعنی بداند که نماز او عبادتی در برابر درگاه الهی یا برای شکرگزاری از اوست. وقتی کودک به این فهم رسید باید او را امر به نماز کرد و نماز خواندن را از او مطالبه کرد.

همچنین آن چیزی که از کودک در این سن خواسته شده، نماز مقبول صحیح نیست؛ بلکه از او خواسته می‌شود تا آنجایی که می‌تواند صورت صحیح نماز را انجام دهد و در فاصله چندسالی که تا بلوغ شرعی دارد، نقص‌ها و ایرادات نماز خود را اصلاح کند. در ضمن نماز خواندن برای وی به عادت تبدیل شود که به سادگی از وی سر می‌زند.





فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۹۰ ش، الکافی، دار الحديث
۳. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۳۶۵ ش، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۴. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۳۶۵ ش، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار (الاستبصار)، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه
۵. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، ۱۳۷۱ ش، من لایحضر الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۶۷ ش، وسائل الشعیه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام
۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران، انتشارات فراهانی
۸. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، انتشارات دار إحياء التراث العربی
۹. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ ش، تفسیر المیزان، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۱۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴ ش، مجموعه آثار استاد شهید مطهری (آزادی معنوی)، چاپ هفتم، قم، انتشارات صدرا
۱۱. طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۴، مجمع البحرين، تهران، دارالکتب الاسلامیه.